

محمد بن ادريس حلی عجلی

نامش محمد و کنیه اش ابو عبدالله و لقبش فخرالدین بوده است و باین-
ادريس معروف است و ادريس جد پدری او است و او را به جد پدری نسبت
داده اند و بنا بر آنچه در بیشتر کتب آمده است از طرف مادرش به شیخ طوسی
منسوب و شیخ طوسی جد مادری اوست . گرچه بعضی این نسبت را قبول
ندارند و می گویند از نظر وفات شیخ و ولادت ابن ادريس امکان پذیر نیست
و ممکن است که از احفاد مع الواسطه شیخ باشد .

ولادت ابن ادريس در سال ۵۴۳ هـ ، ق و وفاتش در سال ۵۷۸ هـ ، ق
در سن سی و پنج سالگی واقع شده و بنا بر آنچه به خط خود ابن ادريس با
سلسله نسب او دیده شده است ولادت او در سال ۵۵۸ هـ ، ق و وفاتش در سال
۵۹۸ هـ و تاریخ فراغ او از کتاب سرائر در سال ۵۸۸ هـ می باشد .

و لکن موافق آنچه بواسطه کفعمی از پسر خود ابن ادريس نقل شده
وفات او در ظهر روز جمعه هیجدهم شوال سال ۵۹۸ هـ از هجرت در سن پنجاه
و پنج سالگی واقع شده است و در نخبه المقال در ردیف محمد بن... گوید :

ثم ابن ادريس من الفحول و متقن الفروع والامول
عند النجيب بن نمال الحلی حکي جاء مبشرا - مضى بعد البكاء
که عدد کلمه « مبشر » ، (۵۴۳) تاریخ ولادت و عدد کلمه « البكاء » ،

(۵۵) هم مدت عمر اوست .

با ملاحظه اینکه شیخ طوسی متوفی سنه ۴۶۰ هـ جری است نوه بلاواسطه
بودن ابن ادريس نسبت به شیخ طوسی چنان که در نؤلؤل البحرین گفته شده دور
از صحت بلکه با در نظر گرفتن تاریخ ولادت ابن ادريس عادتاً خارج از حدود
امکان است .

در مقدمه تبیان شیخ طوسی به نام حیاة الشیخ ، در مورد بیان احفاد و

ذکر فرزندان شیخ طوسی، آورده شده است که غیر از شیخ ابوعلی طوسی فرزند ارجمند شیخ طوسی، از آن بزرگوار دوفرزند اناث به جای مانده است که از دانشمندان و صاحب اجازه بودند و از اهل روایت و حدیث و از فضلاء بشمار بودند یکی از ایشان مادر عالم مشهور و بزرگوار، ابن ادریس حلی صاحب کتاب سرائر است. مادر این دختر مسعود بن ورام ابی قراس است. و دختر دیگر شیخ جد مادری سید رضی الدین وسید جلال الدین مشهور به ابنی طاووس می باشد. و این دو عالم (مشهور به ابنی طاووس) از جهت قرابت برادر ابوینی هستند زیرا پدر این دو نفر سید سعیدالدین ابن طاووس است و مادرشان دختر مسعود بن ورام و مادر مادر آن دو یعنی جد مادری ایشان دختر شیخ طوسی است و شیخ طوسی به دو دخترش اجازه روایت همه مصنفات خودش و اصحاب را داده است و در کلام متقدمین در ترجمه شیخ و احفادش از این قبیل شواهد برای اینکه ابن ادریس نوه دختری شیخ طوسی است، زیاد آورده شده است و متأخرین نیز بدون بحث و ایراد اشکالی آنها را نقل نموده اند.

و لکن بعدها صحت این نسبت مورد تردید واقع گردیده است و حتی بعضی آن را با توجه به تاریخ وفات شیخ طوسی و ولادت ابن ادریس غیرممکن دانسته اند و همینطور راجع به ابنی طاووس.

ابن ادریس از مفاخر علماء شیعه در اواخر قرن ششم هجرت بشمار است و در علوم نقلی از قبیل فقه و اصول و تفسیر و لغت تبحر کامل داشته و صاحب نظر و از خاندان علم و دودمان کمال بوده است و از محضر خال مفضل خود شیخ ابوعلی طبرسی و شیخ حسن بن رطبه سوراوی و شیخ عربی بن مسافر و سید ابوالمکارم بن زهره استفاده نموده بر شیخ جعفر بن نما و محمد بن نما و سید فخار بن معد اجازه روایت بخشیده و در کتب رجال و صور اجازات نام وی را در عداد اکابر مشایخ و افاضل اساتید مذکور دارند.

و با الجمله در وصف این عالم بزرگوار در کتب علماء عظام عباراتی آورده شده است که برای اثبات فضل و علم و کمال و مدح و توفیق او دلیل کافی و متقن است و ما بعضی از آن عبارات را برای نمونه در زیر نقل می نمایم (۱).

۱- شهید اول رحمه الله در یکی از اجازات خود چنین نوشته است :
 « مصنفات الامام العلامة شیخ العلماء رئیس المذهب فخر الدین ابوالعبدالله محمد بن ادریس رضی الله عنه .

۲- شهید ثانی در یکی از اجازات خود چنین فرموده است : « و مرویات
 الشیخ الامام العلامة المحقق فخر الدین ابی عبدالله محمد بن ادریس العجلی (۱) .
 ۳- در بحار در آن مورد که کتابهای ابن ادریس را می شمارد علامه
 مجلسی چنین فرموده است : و کتاب السرائر للشیخ الفاضل الثقه العلامة محمد
 بن ادریس الحلّی .

و در جای دیگری از بحار فرموده است : و کتاب السرائر لایحیی الوثوق
 علیه و علی مؤلفه علی اصحاب البصائر .

« اعتراضات و اشکالات وارده بر ابن ادریس » : در کتب و مؤلفاتی
 که بعد از او بوسیله علماء اعلام و فقهاء عظام به رشته تحریر در آمده است ،
 اعتراضات و ایراداتی بر فتاوی و اقوال وی وارد آورده شده است که خواه
 ناخواه بعضی از آنها قابل پاسخ و بعضی مربوط به اختلاف در مبنای فقهی و
 قسمتی نیز وارد است و ما چند نمونه از آن را در زیر نقل می نمایم :

۱- منتخب الدین قمی در کتاب فهرست خود آورده است : و الشیخ
 محمد بن ادریس العجلی بحله . . . له تصانیف منها کتاب السرائر شاهدته
 بحله و قال شیخنا سدید الدین الحمصی هو مخلط لایتمد علی تصنیفه . ترجمه :
 شیخ محمد بن ادریس العجلی از اهل حله دارای مصنفاتی است که از
 آنها کتاب سرائر است و من او را در بلده حله دیده ام . استاد ما شیخ سدید
 الدین حمصی در قدح وی گفته است که او در تصانیف خویش زشت و زیبا بهم
 آمیخته و مطالب صحیحه را با کلمات و مطالب باطله مخلوط نموده و از این
 روی مؤلفات او را اعتماد نشاید .

۲- در رجال ابن داود : محمد بن ادریس الحلّی العجلی کان شیخ الفقهاء
 بالحلّه متقناً للعلوم کثیر التصانیف لکنه اعرض عن اخبار اهل البیت بالکینه .
 ترجمه : ابن ادریس رئیس فقهای حله بوده و دانشمندی متبحر و
 دارای تصانیف زیادی است و لکن با همه جلالش از اخبار اهل بیت بطور کلی
 اعراض کرده و یکباره روی بر تافته است .

۳- شیخ یوسف بحرینی در کتاب لؤلؤ البحرین پس از بیان مشرب ابن ادریس در مورد ادله و اخبار چنین گوید: « و هذا الشيخ (ابن ادریس) كان فقيها اصوليا بحتا و مجتهدا صرفا وهو اول من فتح باب الظن على الشيخ الخ . . . »

ابن ادریس فقیه اصولی و مجتهد صرف است و او اول کسی است که باب طعن بر شیخ ابو جعفر طوسی گشوده است .
از تمام آنچه که در قدح ابن ادریس گفته شده است چنین برمی آید که علت قدح بروی چند امر است بدین ترتیب :

۱- عمل ننمودن به خبر واحد و حجت نبودن خبر واحد در نزد او زیرا ابن ادریس فقط به اخباری که مفید علم باشد یعنی متواتر و یا محفوظ به قرائن بوده است عمل می نموده و در موارد بسیاری از کتاب سرائر علت ایراد بر فتاوی شیخ را عمل شیخ به خبر واحد می داند و می گوید : چون مدرك شیخ در این مسئله خبر واحد است خبر واحد موجب علم و عمل نیست پس این فتوا مشکل است و خلاصه ابن ادریس عمل به خبر واحد را جائز نمی داند مگر بعضی از اخبار که با قرائن مفید علم همراه و یا متواتر باشد .

۲- اشکال دیگری که بر آن بزرگوار شده است ایرادات و اشکالاتی است که بر شیخ الطائفه گرفته است و مانند سابقین که بیشتر از فتاوی شیخ الطائفه پیروی ننموده و بیشتر موارد بر مبنای مستقل و رأی خود فتوا داده و اقوال و فتاوی شیخ را رد نموده است چه از حیث دلیل و چه از حیث استدلال و این عمل در کتاب سرائر بسیار مکرر بوقوع پیوسته است .
و این رویه نیز انصافاً نمی تواند اشکالی بر ابن ادریس باشد زیرا هر مجتهدی باید بر حسب رأی و نظر خود فتوا دهد و اگر چه مخالف با فتوا و رأی بزرگترین علماء عظام باشد .

« مبنی و مشرف ابن ادریس در اصول و ادله فقه »

شیخ یوسف بحرینی در کتاب لؤلؤ البحرین گوید : ابن ادریس اصولی بحت و مجتهد صرف بوده و او اول کسی است که باب طعن بر شیخ ابو جعفر طوسی گشوده و گرنه تمام علماء معاصرین شیخ و کسانی که بعد از او بودند غالباً بر مسلک و روش شیخ طوسی مشی می نمودند و از پیروی آن فقیه کامل تخلف نمی نمودند .

و نیز گوید: محقق اول و علامه حلی درباره ابن ادریس طعن زیاد و تشنیع بیشمار نمودند و در طی استنباط فروع و استدلال مسائل، عنان خامه بحث وجدال، به جانب اقوال او معطوف داشته و برگرد بسیاری از فتاوی و خط بطلان کشیده‌اند.

بالجمله آنچه از تتبع و تحقیق و مطالعات در احوالات و کلمات و تألیفات و فتاوی ابن ادریس معلوم می‌شود این ادریس از جمیع اقسام و انواع روایات جز به متواترات و اخباریکه مفید علم باشد عمل نمی‌نمودند و استناد نمی‌جسته است و در این باب با سید مرتضی علم‌الهدی هم عقیده بوده است و بهمان طریق و کیفیت استدلال وی، مشی می‌نموده است.

چنان که در اوائل کتاب سرائر خود چنین گوید: دلیل حکم حق و حجت فرمان خدا از چهار طریق بیرون نباشد: نخست کلام الله، دوم سنت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بشرط اینکه بر سبیل تواتر به درجه ثبوت رسیده باشد. سوم اجماع، چهارم دلیل عقل هر گاه که در اثبات تکالیف از آن سه طریق چیزی به دست نیاوریم ادله عقلیه و اصول شرعیه را پیروی کنیم. بنای محققین قوم نیز در بحث از مدارک احکام و مآخذ شرایع به همین ترتیب است و هر کسی از این چهار طریق مخصوص انحراف جوید در وادی گمراهی و اشتباه گرفتار گردد خدای تعالی ما را در طلب حق و ترک باطل به توفیق و تأیید خود مدد رساند.

«تألیفات ابن ادریس حلی»

محمد بن ادریس حلی دارای تألیفاتی است که بعضی از آنها در کتب از آنها یاد شده و فعلاً نیز موجود و به‌قرار زیر است:

الف - التعليقات که به نظر اغلب عبارت است از حواشی و ایراداتی که وی بر تفسیر تبیان شیخ طوسی نوشته است و اصل نسخه آن به‌خط مؤلف در فارسی به‌نظر شیخ حرعاملی رسیده است.

لکن تحقیق این است که این کتاب همان مختصر تبیان وی است، و مراد از کلمه «تعلیقات» ایراد و اشکال و حاشیه بر تفسیر تبیان نیست و کلمه «تعلیق» در اصل لغت به‌معنی ارتباط آمده است. نه اشکال و ایراد.

ب - السرائر الحاوی لثحریر الفتاوی در رقه که در ایران چاپ شده

است.

ج - مختصر التبیان که در مورد کتاب تفسیر تبیان شیخ نوشته شده است.